



مشاوران آموزش

ناشر تخصصی علوم انسانی



این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۳۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

دعوت انتشارات

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین ۹۰
کوچه بهار، پلاک ۱۸
تلفن: ۶۶۹۵۲۳۰۵

دفتر فروش

تلفن: ۶۶۹۷۵۷۲۷

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شماره کتابشناسی ملی

: حیدریکی، بهروز. ۱۳۷۰ -
: ترجمه تعریب و مفهوم / مؤلف: بهروز حیدریکی؛
ویراستاران علمی: شاهو مرادیان، آریا ذوقی، مختار حسامی؛
ویراستاران فنی: الهام رضایی، ملیحه حشمتی.
: تهران: مشاواران آموزش، ۱۴۰۰.
: ۲۸۸ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
: مجموعه کتابهای موضوعی.
: ۳۲۲-۳۲۱۸-۶۰۰-۹۷۸-۴
: فیبا
: مرادیان، شاهو، ۱۳۶۷-، ویراستار
: ذوقی، آریا، ۱۳۷۴-، ویراستار
: حسامی، مختار، ۱۳۵۸-، ویراستار
: ۸۶۷۰۹۳۹



آشنایی با گروه تولید کتاب ترجمه، تعریب و مفهوم

خانواده نایب

مؤلف: بهروز حیدریکی
ویراستاران علمی: شاهو مرادیان، آریا ذوقی، مختار حسامی
ویراستاران فنی: الهام رضایی، ملیحه حشمتی

خانواده چاپ و طراحی

نظارت بر چاپ: عباس جعفری
طراح جلد: آذر سعیدی‌منش
طراح لیاوت و گرافیک: آذر سعیدی‌منش
گروه صفحه‌آرایی: الهه ابراهیمی، طرلان محمدی، سمیه نجار
حروف‌نگار: فاطمه نوری‌زاده

پیشگفتار

سخن ناشر

برای همه آن‌هایی که دلشان می‌خواهد به نقاط حساسشان حمله کنند باید آفرین گفت. منظورم از نقاط حساس، نقاطی است که به‌طور معمول دلمان نمی‌خواهد به آن‌ها توجه کنیم و می‌خواهیم سریع و سرسری از روی آن‌ها رد شویم و اصلاً دلمان نمی‌خواهد که حتی خودمان ببینیم چه برسد به دیگران. الزاما این نقاط حساس، ویژگی‌های منفی ما نیست بلکه نقاط مثبتمان نیز می‌تولد از نقاط حساس باشد؛ گاهی آدمی که مهربان است مهربانی‌اش را پشت سدی می‌گذارد و به دیگران و حتی خودش نشان نمی‌دهد مبادا که از مهربانی‌اش استفاده یا سوءاستفاده‌ای شود و این‌گونه خودش را سانسور می‌کند.

در دوره تحصیل، به‌خصوص در سال آخر تحصیل وقتی می‌خواهیم درگیر تغییر موقعیت بشویم و از دانش‌آموزی به سمت دانشجویی برویم نقاط حساسی که از خودمان پنهان کرده بودیم بیشتر و بیشتر خودشان را آشکار می‌کنند و به رخ می‌کشند؛ ناتوانی‌هایمان را بیشتر و بیشتر می‌بینیم. و دقیقاً به همین دلیل است که می‌گویم این دوران، بهترین دورانی است که به همراه قبول شدن در دانشگاه می‌توانید تغییر بنیادینی نیز بکنید و نقاط حساستان را شناسید تا خودتان را وسعت ببخشید، چگونه؟ یا روش درست برخورد با نقاط حساس. هر تغییری الزاما نیازمند روش درست است، روش درست را باید کشف کرد یا از کشف دیگران استفاده کرد. کتابی که در دست دارید روش درست کشف‌شده توسط مؤلف را در اختیار شما می‌گذارد که به نقطه حساس عربی حمله کنید. امیدوارم هم قدرش را بدانید و هم نتیجه عالی بگیرید.

وحید تمنا

مقدمه مؤلف

مقدمه به کودکان بی سربسسه و دبیرسسه

بیرده اول: تصوّر کنید دارید وسط یک کوچه نسبتاً تاریک راه می‌روید، در همین حال نور ماشینی را از پشت سر حس می‌کنید، کنار می‌روید تا ماشین رد شود!

بیرده دوم: سوار تاکسی هستید، به مقصد که می‌رسید احتمالاً می‌گویید: «آقا ممنون!» راننده هم نگاه می‌دارد و شما پیاده می‌شوید!

بیرده سوم: به درد دل دوستی گوش می‌دهید، از حرف‌هایش، لحنش، مدلش و حال و هوايش، خیلی از چیزهایی را که نمی‌گویید، می‌فهمید!

بیرده چهارم: با دوستی قرار دارید، با حالت اخم و ناراحتی‌اش روبه‌رو می‌شوید، نگاهش هزاران حرف دارد!

بیرده پنجم: زبان انگلیسی‌تان خوب است، دارید سریال را به زبان اصلی می‌بینید.

بیرده ششم: می‌خواهید متنی را ترجمه کنید، به دانش زبانی‌تان و البته فرهنگ لغت‌ها نکیه می‌کنید! همه این‌ها ترجمه‌اند، همه ما مترجمیم! کَلْنَا مَترجم!

من به معنای واقعی کلمه غرق در دنیای عجیب و پیچیده ترجمه شده‌ام! عشق می‌کنم درباره ترجمه هزاران ساعت می‌شود حرف زد، به هر حال، به دنیا و کتاب ترجمه من خوش آمدید!

درباره کتاب

چرا «ترجمه، تعریب و مفهوم»؟! چون:

بخش بزرگی از سؤالات کنکور را تشکیل می‌دهند.

همان ابتدای سؤالات هستند و اعتماد به نفس‌تان را زیاد می‌کنند.

تقریباً جای‌جای سؤالات عربی کنکور حضور دارند.

و خوب البته همه زبان هم، همین‌ها هستند و بقیه موارد ابزارند.

کتاب را به دو بخش کلی «ترجمه و تعریب» و «مفهوم» تقسیم کردم.

در بخش ترجمه و تعریب، جداگانه به هر کدام از مواردی که برای حل سؤالات (رد گزینه) نیاز دارید، پرداختم؛ مثلاً یک بخش فعل‌ها هستند، یک بخش اسم‌ها و ... نکات هر کدام را کامل با دست‌بندی‌های مشخص و منطقی گفتم، برای هر نکته، نمونه تستی خواهید دید، «آزمونک»‌ها بعد از پرداختن به چند بخش، استراحتی به شما می‌دهند تا مطلب قبلی را مرور و تثبیت کنید، پایان هر فصل هم آزمون خواهید دید، شما برای حل سؤالات ترجمه و تعریب به قانون‌هایی نیاز دارید که من تمام و کمال همه را برایتان آوردم. تست‌هایمان تلفیقی از تست‌های کنکور و تألیفی‌اند؛ هم باید با سبک و سیاق کنکور (مخصوصاً نظام جدید) آشنا شوید و هم تست‌های تألیفی استاندارد ببینید و ترست‌ان برای کنکور خودتان بریزد.

بهمی‌وجه در کتاب از من جلو نزنید، قدمه‌قدم با خودم پیش بیایید. کلی فکر کردم که ترتیب منطقی تدریس ترجمه را برای دانش‌آموز کنکوری (در هر سطحی) پیدا کنم. اگر با من آشنا باشید می‌دانید که کتاب‌هایم مختص همه است؛ نه صرفاً بخشی از دانش‌آموزان! آرام‌آرام و باطمینان پیش بروید.

در بخش مفهوم یکمتری نکته و بند و اندرز بهتان گفتم و مفاهیم کتاب‌های درسی و مهم زبان عربی را برایتان آوردم. طبیعتاً این بخش آزمون هم دارد. آخر کتاب ۱۵ **آزمون جامع** ۱۵ سؤالی خواهید دید. با چشمان کاملاً باز حشاش کنید. **پنجم** کتاب‌های من در مشاوران آموزش زیاده است؛ فراتر از درستها

این کتاب هم از همین سنت پیروی می‌کند، **پنجم** کتاب‌های در حد و اندازه کتاب **تجزیه عربی** بعد از تمام کردن این کتاب، شما استاد ترجمه کنکورید، فقط باید بیشتر تست بزنید. ضمناً روی جلد کتاب از قول من نوشته شده: «**دو بار بخوانید!**» وقتی کتاب را تمام کردید، قلم به دست بگیرید و برگردید به ابتدای کتاب و یکبار دیگر تمام تست‌ها را با همه روش‌هایی که یاد گرفتید، حل و تحلیل کنید.

من در انتشارات زندگی کردم، تجربه کسب کردم، گفتم، خندیدم، یاد گرفتم و خلاصه بزرگ شدم؛ به خوبی می‌دانم برای اینکه کتابی به دست شما برسد چه زحمتهای که کشیده نمی‌شود.

برای به ثمر رسیدن این کتاب هیچ ادعایی ندارم.

متواضعانه سپاسگزارم از:

دکتر احمد خداداد، مدیر علل، مدیر تألیف و معزز متفکر انتشارات مشاوران آموزش که چند سال است در کتاب‌های عربی‌اش به من اعتماد کرده و لطف داشته. این بیست و هفتمین کتابی است که نوشتم، یادم هست در اولین کتابی که می‌نوشتم نظرات احمد را می‌شنیدم و جلو می‌رفتم. به نظرم ما در عرصه تألیف در کنار هم رشد کردیم. جدای از این‌ها به نظرم احمد دوست متفاوتی است. دست گرم احمد!

دکتر مهناز حامدی، مسئول پروژه صبور، خوش‌اخلاق و نقیبتی که هم در جایی که وظیفه‌اش بود کمکمان کرد و هم در جاهای دیگر کمک حالمان بود. ممنونم خاتم حامدی!

خانم الهام رضایی که خیالم را از ویرایش فنی و نظم کتاب کاملاً راحت کرد. زمان و انرژی گذاشت و با دقت و حوصله مثال‌زدنی‌اش کمک‌حالم بود. خیلی ممنونم!

خانم سلیمان زاده که پشت صحنه زحمت کشید و باعث شد با خلطری آسوده بنویسم. قدردان زحماتتان هستم!

خانم عسگری و خانم حشمتی که در کنار خانم رضایی زحمت کشیدند و آقای براتی که زحمت بخش فنی را بر عهده داشتند.

دوستان بل‌سواد؛ آقایان مرادبان، حسامی و ذوقی که ویرایش علمی کتاب را بر عهده داشتند و کتابمان را کم‌فاطر کردند. شکر! لکم!

خانم ابراهیمی و همکاران که کار دشوار صفحه‌آرایی کتاب را بر عهده داشتند و کتابمان را آراندند.

خانم سعدی‌منش که بار گرافیکی کتاب بر دوشان بود.

و از همین‌جا سلامی به آقای منما بهم و دستش را به گرمی بفشارم؛ دوست و مدبری که مؤلف را شکل استکانس نمی‌بیند؛ بلکه همه را انسان می‌بندارد!

دبیران و همکاران عزیز و دانش‌آموزان خوب؛ پذیرای نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما برای ارتقای کتاب هستیم. می‌توانید از طریق آیدی زیر مستقیماً با بنده، در ارتباط باشید.

📍 @Behrooz_heydarbaki

سیدواروم روزی بتوانم این کتاب را در کلاس شما درس بدهم.

ارادتمند همگی

بهروز حیدریکی

فهرست . . .

پرده اول؛ ترجمه و تعریب

فصل اول: آغاز راه؛ فعل‌ها ۵۹-۱۳

زمان و ساختار ۱۴ صیغه فعل‌ها ۳ معلوم و مجهول ۳۳ لازم و متعدی ۳۸

فعل‌های ثلاثی مجرد و مزید ۴۳ آزمون‌های ۳، ۲، ۱ و پاسخ ۵

فصل یک و نیم: تنمۀ فعل‌ها ۶۰-۸۴

افعال ناقصه ۶۱ فعل‌ها در اسلوب شرط ۶۹ آزمون‌های ۲، ۱ و پاسخ ۷۶ نیم‌نگاهی بر فعل‌ها ۸۲

فصل دوم: اسم‌ها ۸۵-۱۲۵

اسم‌ها ۸۶ عددها ۹۴ تأثیر وزن اسم‌ها بر ترجمه ۱۰۱ آزمون‌های ۳، ۲، ۱ و پاسخ ۱۱۲

نیم‌نگاهی بر اسم‌ها ۱۲۳

فصل سوم: حروف سرنوشت‌ساز + ترجمه اصطلاحات ۱۴۱-۱۲۶

حروف ۱۲۷ تنمۀ حروف + اصطلاحات مهم ۱۳۲ آزمون و پاسخ ۱۳۶ نیم‌نگاهی بر حروف ۱۴۰

فصل چهارم: تنمۀ قواعد ۱۷۰-۱۴۲

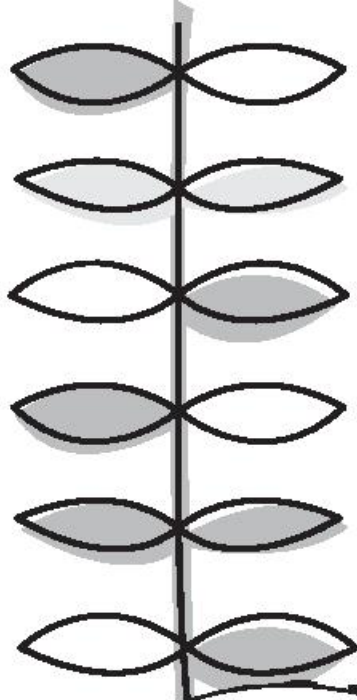
رعایت نقش‌ها در ترجمه ۱۴۳ آزمون‌های ۲، ۱ و پاسخ ۱۶۳ نیم‌نگاهی بر قواعد ۱۷۰

پرده دوم؛ مفهوم

مفهوم ۱۷۲ آزمون‌های ۱ تا ۴ و پاسخ ۱۹۳ نیم‌نگاهی بر مفهوم ۲۰۶ قانون‌های کلی ۲۰۷

آزمون‌های جامع

آزمون‌های جامع ۲۰۸ پاسخنامه ۲۵۸ ضمیمه ۲۸۸



فصل اول

آغاز راه؛ فعل‌ها

زمان و ساختار / صیغه فعل‌ها / معلوم و مجهول / لازم و متعدی / فعل‌های ثلاثی مجزئ و مزید

ما برای رسیدن به جواب تست‌ها، می‌فواهیم رد گزینه کنیم و فعل‌ها از بهترین‌ها در این زمینه اند. غالباً با فعل‌ها می‌توان حداقل یکی دو گزینه را رد کرد. در درباره فعل‌ها باید موارد زیر را بررسی کنیم:

زمان و ساختار، صیغه فعل‌ها، معلوم و مجهول، لازم و متعدی، ثلاثی مجزئ و مزید.

۱. البته بعضی تست‌ها فعل ندارند یا اینکه می‌شود با دیگر کلمات سریع‌تر به جواب رسید.



زمان و ساختار

فعل‌ها از نظر زمان و ساختار به ۵ دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. ماضی: کَتَبْتَ، نوشتی

۲. مضارع: تَكْتُبُ، می‌نویسی

۳. امر: اَكْتُبْ، بنویس

۴. نهی: لَا تَكْتُبْ، ننویس

۵. مستقبل: سَتَكْتُبُ، سوف تَكْتُبُ خواهی نوشت

البته شما باید با انواع و اقسام فعل‌ها و مثلاً امر و نهی و غایب و متکلم هم آشنا باشید. قرارمان این است که قواعدمان حداقل متوسط باشد. برویم تست ببینیم:

تفسیر: «وقتی دیدم دوستم سه بیت از قصیده را حفظ کرده، من هم ده تا مثل آن را حفظ کردم!»:

(تفسیری ۹۴)

۱) لقا شاهدت زمیلي يحفظ ثلاثة أبيات من شعر، أنا كذلك أحفظ عشرة أمثالها!

۲) حين أشاهد زمیلي تحفظ ثلاثة أبيات من قصيدة، أنا أيضاً حفظت عشرة أمثالها!

۳) عندما رأيت أن زمیلي قد حفظت ثلاثة أبيات من القصيدة، أنا أيضاً حفظت عشرة أمثالها!

۴) حينما يرى زمیلي أنني قد حفظت ثلاثة أبيات من هذه القصيدة، هو أيضاً حفظ عشرة أمثالها!

تفسیر: «دیدم، حفظ کردم» هر دو ماضی‌اند که فقط در گزینه «۳» به زمانشان توجه شده! البته طبیعتاً این تست با راه‌های دیگری هم حل می‌شود که فعلاً محل بحث ما نیست.

تفسیر: «رَبَّنَا: إِنْ تُذْهِبْ عَنَّا شَرَّ مَا قَدِمْنَا، فَسَنَدُوقُ الْحَلَاوَةَ فِي الْعَاقِبَةِ!»:

۱) خدایا! اینکه شر آنچه را از پیش فرستدایم از ما برطرف می‌کنی، شیرینی عاقبت را به ما می‌چشانی!

۲) پروردگرا! اگر شر آنچه را که پیش فرستدایم از ما برطرف کنی، در پایان، شیرینی را خواهیم چشید!

۳) پروردگرا! اگر بدی‌هایی را که از قبل انجم داده‌ایم از ما برداری، ذائقه حلاوت را در عاقبت خواهیم یافت!

۴) خدایا! اینکه بدی را از آنچه از قبل انجم داده‌ایم برمی‌داری، ذائقه شیرینی را در عاقبت به ما می‌چشانی!

تفسیر: «سَنَدُوقُ» (سَد + مضارع) معادل مستقبل است که گزینه‌های «۱» و «۴» را می‌فرستد پی سرنوشتشان! اندکی معنای واژه بلد باشیم هم، گزینه «۳» را با همین کلمه رد می‌کنیم. (جواب: گزینه «۲»)

فعل ماضی

الف) ماضی ساده

همان ماضی بی‌شبهه و بی‌له خودمان است:

✱ سَمِعْنَا صوت المدير من الساحة صدى مدير را از حیاط شنیدیم.

ب) ماضی نقلی

ماضی نقلی را اکثراً با «قد + ماضی» خواهید دید:

«قد چشْت من مکان بعیدِ اِلی مدینتکم: از جایی دور به شهرتان آمده‌ام»

ظَهْ حَلا برویم سراغ ماضی منفی:

۱. یک راه این است که هر دو را با «ما» منفی کنیم:

ما سَمِعنا: نشنیدیم ما قد چشْت: نیامده‌ام

۲. از «لَمْ + مضارع» هم می‌توانیم استفاده کنیم:

لَمْ نَسْمَعْ: نشنیدیم، نشنیده‌ایم

می‌بینید که «لَمْ + مضارع» هم معادل ماضی ساده منفی است و هم معادل ماضی نقلی منفی! در جمله مشخص می‌شود!

گاهی با توجه به سبک و سیاق جملات، می‌توانیم ماضی ساده را نقلی ترجمه کنیم اما نمی‌توانیم ماضی نقلی را ماضی ساده ترجمه کنیم.

«أمر الله الإنسان أن ينتفع بالنعمة والمواهب الإلهية للحركة نحو الرشد والكمال!»:

(فارج از کشور ۸۶)

۱) خداوند به انسان امر کرده است تا از نعمت‌ها و موهبت‌های الهی برای حرکت به‌سوی رشد و کمال بهره ببرد!

۲) پروردگار به بشر دستور داده که از نعمت و مواهب خدایی برای هدایت و تکامل به‌سمت او بهره‌برداری کند!

۳) خداوند انسان را امر کرده به اینکه از برکات و نعمت‌های او برای تحرک و رشد و کمال سود بجوید!

۴) پروردگار ما به بشر دستور استفاده از نعمت‌ها و موهبت‌های خود را برای سیر به‌سوی رشد و کمال داده است!

در این تست «أمر» که ماضی ساده است به‌صورت ماضی نقلی ترجمه شده! (جوابش هم گزینه «۱» است!)

خب! تست ببینیم از ماضی ساده و نقلی!

«لن أتضرع مُتضرِّعاً إلا إلى ربِّي، لأنِّي قد آمَنْتُ بأنَّه هو الغفَّار المتفَضِّل علينا!»: (تپه‌ری ۸۹)

۱) فقط به پروردگارم عنرخواه‌له التماس خواهم کرد، زیرا من ایمان آورده‌ام که فقط اوست که نسبت به ما بسیار آمرزنده و کریم است!

۲) من جز به پروردگار خویش با تضرع عنرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که قطعاً اوست که در مورد ما هم آمرزنده و هم مهربان است!

۳) فقط نسبت به خدا با عنرخواهی التماس می‌نمایم! زیرا ایمان دارم اوست که ما را قطعاً می‌بخشد و می‌آمرزد!

۴) جز از خدای خود عنرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که فقط او بسیار ما را می‌بخشد و می‌آمرزد!

در این تست «قد آمَنْتُ» ماضی نقلی است (گزینه «۱»).

تفسیر: «آیا ندانسته‌ای که خداوند بر کارهای ما آگاه است!»:

(۱) أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَمْرَنَا!

(۲) هل أنت لست عالماً بأنَّ اللهَ خبيرٌ بأعمالنا!

(۳) أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِأَعْمَالِنَا!

(۴) هل لن تعلمي أنّ الله يعلم أمورنا!

تفسیر: «ندانسته‌ای» ماضی نقلی منفی است و «لم + مضارع» هم که دقیقاً معادل همین است! البته که بقیه‌گزینه‌ها ایرادهای دیگری هم دارند. (گزینه «۳»)

تابلوی اول

ماضی ساده: ماضی بی‌شبهه و پيله

ماضی نقلی: قد + ماضی

ماضی منفی: ما + ماضی

لم + مضارع: ماضی منفی (ساده یا نقلی)

ج ماضی استمراری

برویم ببینیم ماضی استمراری را چطور می‌شود ساخت:

۱. معروف‌ترینشان: «كان + مضارع»

تفسیر: «كنت أعرِفُ كاتباً قد كتب أكثر مقالاته في صحفِ مدينتنا!»:

(برائتی ۸۸)

(۱) من نویسندگانی را شناختم که اکثر مقاله‌های او در روزنامه‌ی شهر ما به چاپ رسیده بود!

(۲) نویسندگانی را می‌شناختم که بیشتر مقالات خود را در روزنامه‌های شهرمان نوشته بود!

(۳) به نویسندگانی معرفی شدم که اکثر مقاله‌هایش در روزنامه‌ی شهرمان به چاپ رسیده است!

(۴) با نویسندگانی آشنا شدم که بیشتر مقالات خویش را در روزنامه‌های شهری‌مان نوشت!

تفسیر: «كنت أعرِفُ» را ببینید! خیلی راحت! (گزینه «۲»)

تفسیر: «كان الباحثون المسلمون يهاجرون إلى النقاط البعيدة من الأرض لاكتشاف أسرار الكون!»:

(برائتی ۸۷)

(۱) پژوهشگران اسلامی به مناطق دوردستی از زمین برای کشف راز هستی سفر کرده‌اند!

(۲) محققان مسلمان برای کشف اسرار هستی به نقاط دوردست زمین مهاجرت می‌کردند!

(۳) جستجوگران اسلامی به اقصی نقاط زمین برای به دست آوردن رازهای جهان مسافرت کرده بودند!

(۴) تحقیق‌گران مسلمان بودند که به مناطق دوردست زمین برای اکتشاف اسرار دنیا مهاجرت نمودند!

تفسیر: «كان ... يهاجرون» را ببینید ← مهاجرت می‌کردند (گزینه «۲»)

۱. ماضی استمراری منفی

سه جور می‌توانیم ماضی استمراری را منفی کنیم:

(الف) ما + كان + مضارع:

ما كُنَّا نَكْتُبُ: نمی‌نوشتیم



ب) کان + لا + مضارع:

کان لا نکتبَ نمی‌نوشتیم

ج) لم + مضارع تغییر یافته «کان» + مضارع:

لم نکتبْ نمی‌نوشتیم

خطه آخری را خیلی جدی بگیرد.

تفسیر: «صوت ساکتا لآتني لم اكن أعرف شيئاً عن الموضوع!»:

۱) ساکت شدم چون من چیزی درباره موضوع نمی‌دانم!

۲) ساکت هستم زیرا من درباره آن موضوع چیزی نمی‌دانم!

۳) ساکت بودم برای اینکه من چیز زیادی درباره موضوع ندانستم!

۴) ساکت شدم زیرا من درباره موضوع چیزی نمی‌دانستم!

تذکره: «لم + مضارع تغییر یافته «کان» + مضارع» در عبارت سؤال چشمک می‌زند ← لم اكن

أعرف: نمی‌دانستم (گزینۀ «۴»)

فنا بلوی دوم

کان + مضارع: ماضی استمراری

ما + کان + مضارع

کان + لا + مضارع

لم + مضارع تغییر یافته «کان» + مضارع

ماضی استمراری منفی

۲. «لینت + ماضی» را می‌توان به شکل ماضی استمراری ترجمه کرد!

✗ **لینتی قرأت دروسی جیداً:** کاش من درس‌هایم را خوب می‌خواندم.

۳. اگر جمله وصفیه فعل مضارع باشد و قبلش هم در عبارت فعل ماضی داشته باشیم، فعل مضارع

را غالباً به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم:

✗ **شاهدت طالبة تطالع مجلة في المكتبة:**

ماضی امر مکره مضارع

(مجلسه وصفیه)

دانش‌آموزی را دیدم که مجله‌ای را در کتابخانه مطالعه می‌کرد.

تفسیر: «اثرانی را دیدم که به زیارت خانه خدا می‌رفتند!»:

۱) شاهدت زوّاراً یدهبون إلی زیارة بیت اللّٰه!

۲) نظرت فی الزوّار یدهبون لزیارة بیت اللّٰه!

۳) رأیت زوّاراً ذهبوا لزیارة بیت اللّٰه!

۴) رأیت الزوّار ذهبوا إلی زیارة بیت اللّٰه!

تذکره: در گزینۀ‌های «۲» و «۴»، «اثرانی» که زکره است به صورت معرفه آمده. در گزینۀ «۳» هم،

«ذهبوا» ماضی است؛ مضارع می‌خواهیم (گزینۀ «۱»)

۱. می‌شود ماضی بعید هم ترجمه کرد که جلوتر خواهیم گفت!

«بیمه‌ها ممکنه تست‌های این آزمونک با پتر راه، دل بشن اما شما با کمک فعل دلشون کنید یا در اقل دو گزینه رو با فعل‌ها رر کنید!»

عین الأنسب في الجواب للترجمة من أو إلى العربية (۵-۱):

۱. ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ﴾:

۱. هرگز به خوبی نخواهید رسید تا انفاق نمایید از چیزهایی که دوست داشته‌اید!

۲. به نیکی دست نخواهید یافت تا انفاق کنید از آنچه دوست دارید!

۳. خوبی را به دست نمی‌آورید تا انفاقتان از آنچه دوست دارید باشد!

۴. به نیکی نخواهید رسید تا انفاق نمایید از آنچه دوست داشته‌اید!

۲. «هناك خيرٌ في كلِّ شدةٍ فإننا نستطيع أن نعرف بها صدقنا من عدونا!»: (تهری ۹۶)

۱. در هر سختی‌ای خیری وجود دارد، چه ما می‌توانیم به‌وسیله آن دوست خود را از دشمنان بشناسیم!

۲. آنجا در هر سختی‌ای خیری است که توانسته‌ایم به‌وسیله آن دوستان و دشمنان خود را بشناسیم!

۳. آنجا در همه سختی‌ها سود و منفعتی برای ما است زیرا شناخت دوست از دشمن را در پی دارد!

۴. در هر سختی‌ای منفعتی هست که شناختن دوست و دشمنان را به‌واسطه آن به دنبال دارد!

۳. «قد اشتريتُ كتاباً لم أكن سمعتُ اسمَ كاتبه!»:

۱. یک کتاب خریدام که اسم نویسنده‌اش را نشنیده بودم!

۲. کتابی را می‌خرم که نام نویسنده آن را نشنیده‌ام!

۳. یک کتاب را خریدم که اسم نویسنده آن را نمی‌شنیدم!

۴. کتابی خریدام که نام نویسنده‌اش را نشنیده‌ام!

۴. عین الخطأ:

۱. قد دخلت آلاف الكلمات المعرّبة من اللغات الأخرى في العربية! هزاران کلمات معرّب از زبان‌های

دیگر به زبان عربی وارد شده است!

۲. من ظنُّ أنه قد فاز في الدنيا بقول الكذب فهو الخلسر! کسی که گمان کند در دنیا با گفتار دروغ پیروز

شده است، اوست زیان‌گر!

۳. إنّ السمكات كلت تتساقط من السماء على الأرض كقطرات الماء! ماهیان چون قطرات آب از آسمان

بر زمین می‌افتند!

۴. إنّ المشاقمین لا يحصلون من الحوادث إلا على تعب! بدبینان، از حوادث فقط رنج را دریافت

خواهند کرد!

۵. «كاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدم!»:

۱. لعلنی أشاهد مدن بلادي جميعاً! لیتنی آنظر کلّ المدن في بلادي!

۲. لعلنی كنت أنظر مدن بلادي كلها! لیتنی كنت أشاهد جميع مدن بلادي!

(عمومی فارغ از کشور ۹۸)



۱. گزینه «۲». قرار شد با فعل‌ها پیش برویم؛ «لن + مضارع» داریم که معادل مستقبل منفی است (رد گزینه «۳»). «هرگز» در گزینه «۱» اضافی است. «تَنفَقُوا» فعل است نه اسم (رد گزینه «۳») و «تَحْبِثُونَ» هم که مضارع است (رد گزینه‌های «۱» و «۴»).
۲. گزینه «۱». خیلی خیلی راحت! «نَسْتَطِيعُ» فعل مضارع است که در گزینه «۲» به صورت ماضی ترجمه شده و در گزینه‌های «۳» و «۴» اصلاً ترجمه نشده!
۳. گزینه «۱». «قد + ماضی» معادل ماضی نقلی است (رد گزینه‌های «۲» و «۳»). «لَمْ + مضارع» تغییر یافته «کان» + ماضی: ماضی بعید منفی» (رد سایر گزینه‌ها).
۴. گزینه «۴». «لا يحصلون» مضارع است که به صورت مستقبل ترجمه شده! مثبت ترجمه شدنش به خاطر اسلوب حصر است. اگر الآن بلدید که هیچی، اگر نه که به وقتش توضیحش می‌دهم!
۵. گزینه «۴». آقا جان «لَيْتَ» معادل «کاش» است (رد گزینه‌های «۱» و «۲»). ضمناً «کان + مضارع: ماضی استمراری» (رد سایر گزینه‌ها).



رعایت نقش‌ها در ترجمه

این موضوع بی‌نهایت اهمیت دارد و باید نمونه‌ی عینی ببینید تا متوجه حضم بشوید. این مبحث را برایتان جزئی‌تر بررسی می‌کنم.

مبتدا و خبر

این دو نقش باید دقیقاً سر جای خودشان ترجمه شوند.

نمونه ۱: عین الخطأ:

(هنر ۹۹)

- ۱) الجهل مصيبةٌ لن تتخلص منه إلا بالعلم؛ فقط با علم، از مصیبت جهل، رهایی می‌یابیم!
- ۲) كثيرٌ من الناس يعرفون كل شيءٍ بضده معرفةً أفضل؛ بسیاری از مردم هر چیزی را با ضتس بهتر می‌شناسند!
- ۳) علي الإنسان أن لا يجرح قلب الآخرين بكلماتٍ قبيحة؛ انسان نباید با کلمات زشت قلب دیگران را مجروح کند!
- ۴) كأنّ العلماء في بسط العلم ليسوا إلا مطراً للأرض؛ گویی دانشمندان در گسترش علم چیزی جز باران برای زمین نیستند!

توضیح ۱: «الجهل» مبتدا و «مصيبة» خبر است ← جهل، مصیبتی است که فقط با علم از آن رهایی خواهیم یافت. (پسرخمان گزینه ۱) است اما می‌بینید که ترکیب وصفی نکره «کلمات قبیحة» در گزینه ۳ به صورت معرفه ترجمه شده!

نمونه ۲: «شجرات حدیقتنا ذات غصون نضرة لأن اهتمامنا بشؤونها كثيرا» (زبان ۹۸)

- ۱) باغ ما درختانی دارد با شاخه‌های باطراوت زیرا به کارهای آن بسیار رسیدگی شده است!
- ۲) به‌خاطر رسیدگی و توجه ما به امور باغ، درختان آن دارای شاخه‌های تر و تازه‌ای شده است!
- ۳) درختان باغ ما دارای طراوت و تر و تلاگی هستند زیرا اهتمام ما به کارهای آن زیاد است!
- ۴) درختان باغ ما دارای شاخه‌های تر و تازه‌ایست زیرا رسیدگی ما به کارهای آن زیاد است!

توضیح ۲: «شجرات» مبتداست (رد گزینه‌های «۱» و «۲»). اندکی هم واژه بلد باشیم، می‌بینیم که «غصون: شاخه‌ها» در گزینه ۳ ترجمه نشده! ما ماندیم و گزینه ۴!

نمونه ۳: «هر لحظه از عمر ما کنجی است که در طول زندگی فقط یک بار استخراج می‌شود» (هنر ۹۳)

- ۱) إن لحظات عمرنا كلها كنز يفيدنا إذا استخراجناه جيداً
- ۲) قيمة كل لحظة لعمرنا تسوي كنزاً يستخرج مرة طول الحياة!
- ۳) كل لحظة من عمرنا كنز يستخرج طول الحياة مرة واحدة فقط!
- ۴) إنما العمر و لحظاته لنا يشبه كنزاً يستخرج خلال تمام العمر مرة!

توضیح ۳: می‌بینید که «كل لحظة» باید مبتدا باشد (رد سایر گزینه‌ها). ضمناً «كنز» باید خبر باشد (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). گزینه‌ها غلط‌های دیگری هم دارند، به‌رحال جوابمان: گزینه ۳!

فَاعِلٌ، مَفْعُولٌ، تَأْيِيبٌ فَاعِلٌ

تشخیص این نقش‌ها، هم با توجه به سیاق عبارت و ترجمه و هم با توجه به اعراب صورت می‌گیرد
تفسیر: «و لنا رای المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّهُ»:

(۱) آن هنگام که مؤمنین، احزاب را دیدند، گفتند: این چیزی است که خداوند به ما وعده داده بود!

(۲) زمانی که احزاب، مؤمنان را دیدند، گفتند: این است چیزی که به خدا وعده داده بودیم!

(۳) وقتی که احزاب، مؤمنان‌ها را دیدند، گفتند: این را ما به خداوند وعده داده بودیم!

(۴) هنگامی که مؤمنان، احزاب را دیدند، گفتند: این چیزی است که به خداوند وعده داده بودیم!

تایید: «المؤمنون» با توجه به مرفوع بودن، فاعِل «رأى» و «الأحزاب» مفعولش است (رد گزینیه‌های «۲» و «۳»). «اللّه» با توجه به مرفوع بودن، فاعِل «وعد» و «نا» مفعولش است (رد سایر گزینیه‌ها). پس جوابمان گزینۀ «۱» است.

تفسیر: «لا يتغلب عليك اليأس عندما تنقد شيئاً جيداً، فبعض الأحيان يجب أن يرحل الجميل ليأتي الأجل!»: (زبان ۹۶)

(۱) ناامید مبلش وقتی چیزی زیبا را از دست دادی، چون باید زیبا برود تا زیباترین بیاید!

(۲) نراحتی بر تو چیره نشود هنگام از دست دادن چیز زیبا، چه گاهی زیبا می‌رود تا زیباتر بیاید!

(۳) هنگامی که چیز زیبا را از دست می‌دهی دچار ناامیدی مشو، چون زیبا می‌رود تا زیباتری بیاید!

(۴) وقتی چیز زیبایی را از دست می‌دهی ناامیدی بر تو غلبه نکند، زیرا گاهی باید زیبا برود تا زیباتر بیاید!

تایید: «اليأس» فاعِل فعل «لا يتغلب» است (رد سایر گزینیه‌ها: در ترجمۀ فعل نهی غایب «لا يتغلب» لفظ «نبايد» در تقدیر گرفته شده و «غلبه نکند» همان مفهوم نهی را می‌رساند) البته حواستان باشد که «اليأس» در گزینۀ «۲» درست ترجمه نشده! به‌رحال جوابمان گزینۀ «۴» است!

تفسیر: «الضرورات تلجئ الإنسان دائماً إلى تحمّل الأعمال الصعبة حتى يوفّر معاش أهله!»: (تفسیر ۹۷)

(۱) ضرورت‌ها همواره انسان را به تحمّل کارهای سخت وادار می‌کنند تا معاش خانواده خود را فراهم کند!

(۲) ضرورت‌ها همواره انسان را به انجام کارهای مشکل ملزم نموده تا معاش خانواده‌اش فراهم شود!

(۳) به‌ناچار انسان همواره کارهای سخت را تحمّل کرده تا مایحتاج خانواده خود را فراهم کند!

(۴) نیاز، انسان را همیشه به کارهای سخت مجبور می‌کند تا روزی خانواده‌اش مهیا گردد!

تایید: «الضرورات» مبتنا است (رد گزینیه‌های «۳» و «۴»). «الإنسان» مفعول «تلجئ» است (رد گزینۀ «۳») و «معاش» مفعول «يوفّر» است (رد گزینیه‌های «۲» و «۴») با همه این تفاسیر گزینۀ «۱» جواب تست است.

اسم و خبر الفاعل ناقصه و حروف مشبّهة بالفاعل

این‌ها همان مبتنا و خبر در جملات اسمیه‌اند اما خب به‌رحال به‌صورت چنان‌گه آوردمشان!
تفسیر: «بزرگ‌ترین ثروت ما اخلاق و انسانیت ماست و برای آن‌ها جایگزینی نیست». عین الصحیح:

(فارج از کشور ۹۷)

(۱) لا بدیل لأخلاقنا و إنسانیتنا لأنّه ثروتنا العظيمة!

(۲) أعظم ثروتنا أخلاقنا و إنسانیتنا و ليس لهما بدیل!

(۳) ليس لأخلاقنا و إنسانیتنا بديلاً لأنهما أعظم ثروتنا!

(۴) أعظم ثروتنا الّذي ليس لها بدیل أخلاقنا و إنسانیتنا!



تاسع: قانون اسلایس را مجدد من خودم اجرا کنم:

بزرگ‌ترین ثروت ما اخلاق و انسانیت ملست.

- (۱) لا بدیل | لأخلاقنا | و إنسانیتنا ...
 (۲) أعظم | ثروتنا أخلاقنا | و إنسانیتنا ...
 (۳) لیس | لأخلاقنا | و إنسانیتنا بدیلاً ...
 (۴) أعظم | ثروتنا آلدی | لیس لها بدیل ...

می‌بینید که «أعظم» باید مبتدا (رد گزینه‌های «۱» و «۳») و «أخلاق» خبر باشد (رد سایر گزینه‌ها). ضمناً «بدیل» (جایگزینی) اسم «لیس» (نیست) می‌باشد؛ جوابمان گزینه «۲»!

(زبان ۱۴۰۰)

تفسیر عین الخطأ:

- (۱) أمطر الله مطراً في بلدنا أمس: دیروز خدا در شهر ما بلرانی براند.
 (۲) ما كان المطر كثيراً لتصير سيلاً: باران زیادی نبود که سیل بشود.
 (۳) و لا قليلاً حتى لا ينبت ما قد قلت، و نه کم که آنچه از دست رفته بود نرود،
 (۴) و بكثرته إزدادت التعم علينا! و با فراوانی اش نعمت‌ها بر ما فروزی یفت!

تاسع: در گزینه «۲»، «کثیراً» خبر «کان» است نه صفت «المطر» ← باران، زیاد نبود که سیل بشود. (جواب: گزینه «۲»)

(عنه ۹۸)

تفسیر عین الصحیح:

- (۱) من هو صادق في كلامه فإنه يعدّ من المحسنين! هرکس در سخن خود صادق باشد خود را از نیکوکاران به شمار خواهد آورد!
 (۲) ليس المظلومون متّحدين في العالم فلهمنا يعيشون تحت الظلم! مظلومان جهان متحد نیستند لذا زیر بار ستم به سر می‌برند!
 (۳) إنّ هؤلاء ناجحون في حياتهم لأهمهم لا يضعون أوقاتهم! این‌ها در زندگی موفق هستند لذا اوقات خود را تباه نمی‌کنند!
 (۴) إذا توقعت التّجّاح فلا تيأس من الحصول عليه! هرگاه انتظار موفقیت داشتی از به دست آوردن آن مأیوس مشو!

تاسع: بررسی گزینه‌ها:

- (۱) «يعدّ» مضارع مجهول است ← به شمار می‌آید.
 (۲) «المظلومون» اسم «لیس» و «متّحدين» خبرش است ← مظلومان در جهان متحد نیستند.
 (۳) ضمیر «هم» ترجمه نشده ← حیاتهم: زندگی‌شان. دقت کنید که اسم (هؤلاء) و خبر (ناجحون) «إنّ» در این گزینه درست ترجمه شده‌اند!
 (۴) این گزینه هم که درست است. جوابمان همین گزینه است.

خبر و صفت

باید خبر را از صفت درست تشخیص دهیم تا در ترجمه کار دستمان ندهد!

(تبریزی ۹۳)

- تاسع:** «الغد المضيء يتعلّق بمن يعرف اليوم و ينتفع به بأحسن وجه!»:
 (۱) فردای روشنی‌بخش از آن کسی است که امروز را بشناسد و از آن به بهترین وجه سود ببرد!
 (۲) فردایی روشن است که متعلّق به کسی باشد که امروز را دریافته و نفع خوبی از آن گرفته باشد!
 (۳) فردایی که درخشان است به کسی تعلّق دارد که امروزش را می‌شناسد و برترین نفع را از آن می‌برد!
 (۴) فردایی فروزان است که از آن کسی باشد که امروز را بشناسد و به بهترین صورت از آن سود برده باشد!

پاسخ: «الغد» مبتدا و نکره و «المضي» صفتش است نه خبر: اولاً خبر اگر اسم باشد غالباً به صورت نکره می‌آید، ثانياً معنای مبتدا با «یتعلق» کامل می‌شود (رد سایر گزینه‌ها) جوابمان: گزینه «۱»!

نابلوی پنجاه و دوم

رعایت نقش‌ها در ترجمه (مبتدا و خبر، فاعل و مفعول و نائب فاعل، اسم و خبر افعال ناقصه و حروف مشبّهة بالفعل، تشخیص خبر و صفت)

صفت و حال

حال را مجزا هم بررسی می‌کنیم اما به کرات پیش می‌آید که صفت و حال را جابه‌جا در ترجمه بیاورند (با توجه به شباهت ظاهری‌شان).

تفسیر: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ﴾:

- ۱) مردمان امتی واحد بوده‌اند، لذا خداوند پیامبران بشارتگر را مبعوث کرد!
- ۲) مردم در ابتدا یک امت بودند، پس الله پیامبرانی را مرزدهنده گسیل داشت!
- ۳) مردم یک امت بودند، پس خدا پیامبران را بشارت‌دهنده برانگیخت!
- ۴) مردمان همگی امتی واحد بودند، بنابراین خداوند پیامبران مرزدهنده‌هاش را برانگیخت!

پاسخ: «مبشّرین» حال است نه صفت «النّبیین»: اگر قرار بود صفتش باشد، با «ال» می‌آمد (رد گزینه‌های «۱» و «۴»). ضمناً «النّبیین» معرفه است (رد گزینه «۲») بنابراین گزینه «۳» پاسخ تست.

تفسیر: عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱) صنع المهندسون هذه البيوت محكمة! مهندسان این خانه‌ها را محکم ساخته‌اند!
- ۲) يشجع المتفرجون الفرحون فريقهم الفائز! تماشاگران تيم برنده‌شان را خوشحال تشويق می‌کنند!
- ۳) تتساقط قطرات الماء على الأرض متتالية! قطرات آب، پی‌درپی به روی زمین می‌افتند!
- ۴) لاحظت طالبات مبتسمات عندما كنت في المدرسة! زملي که در مدرسه بودم، دانش‌آموزان خندان را دیدم!

پاسخ: با توجه به معرفه بودن «الفرحون» و مرفوع بودنش (حال، نکره و منصوب است)، نتیجه می‌گیریم که این کلمه صفت «المتفرجون» است — تماشاگران خوشحال، تیم برنده‌شان را تشویق می‌کنند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) «محكمة» حال است برای «هذه البيوت»!
- ۳) «متتالية» حال است برای «قطرات الماء»!
- ۴) «مبتسمات» صفت «طالبات» است؛ چون «طالبات» نمی‌تواند صاحب حال باشد (صاحب حال، معرفه است).

نابلوی پنجاه و سوم

تشخیص صفت از حال (و بالعکس)

- ۹۰ «العالم بلا عمل كالشجر بلا ثمر» عین الأنسب للمفهوم:
- ۱ راه رو راه، گرد گفت مگرد که به گفتار ره نشاید کرد
 - ۲ العمل لا یضمن قولک!
 - ۳ الجزاء للذین أحسنوا عملاً
 - ۴ دستی که ریزی نکند شاخ بی بر است نخلی که میوه‌ای نهد، خشک بهتر است

زمان پیشنهادی:
۷ دقیقه
آزمون جامع ۷ (کنکور+تألیفی)

عین الأنسب في الجواب للترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۱۰۵-۹۱):

- ۹۱ ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾:
- ۱ مسلماً انسان زیانکار می‌باشد مگر آن‌هایی که ایمان بیاورند و کارهای نیکو انجام دهند!
 - ۲ همگیا انسان در زیان است جز کسانی که ایمان آورده و اعمال شایسته انجام دادند!
 - ۳ انسان بی‌شک در زیان می‌باشد مگر کسانی که با ایمان کارهای شایسته انجام دادند!
 - ۴ انسان قطعاً در زیان است جز آن‌هایی که ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند!
- ۹۲ «ليس هناك عظم في اللسان ولكنه يستطيع أن يكسر القلوب استطاءً، فلنراقب كلامنا!»:

(عمومی انسانی تاریخ از کشور ۱۳۰۰)

- ۱ در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می‌تواند دل‌ها را بشکند، پس باید مواظب سخنانمان باشیم!
- ۲ در زبان استخوانی نیست، اما به‌خوبی توانایی شکستن قلب‌ها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!
- ۳ استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانایی دارد قلب‌های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن گفتنمان باشیم!
- ۴ در هیچ زبانی استخوان نیست، ولی واقعاً می‌تواند قلب‌ها را بشکند، پس باید به‌خوبی از سخن گفتنمان مواظبت کنیم!

- ۹۳ «كثير من الناس لا يفكرون أكثر من مرتين أو ثلاث مرات سنوياً، ولكن العلماء لا يضيعون أوقاتهم و يفكرون دائماً»:

(عمومی تاریخ از کشور ۱۳۰۰)

- ۱ اکثر مردم بیشتر از دو بار یا سه بار فکر نمی‌کنند ولی علما اوقاتشان را ضایع نکرده در طول سال، همیشه می‌اندیشند!
- ۲ بسیاری از مردم سالانه بیش از دو یا سه بار نمی‌اندیشند، اما دانشمندان اوقات خود را تلف نمی‌کنند و همیشه تفکر می‌کنند!
- ۳ کثیری از مردم هستند که سالیانه بیش از دو سه دفعه فکر نمی‌کنند، ولی عالمان زمان خود را تلف ننموده‌اند و دائماً در تفکر هستند!
- ۴ مردم بسیاری هستند که در سال بیشتر از دو یا سه بار اندیشه نمی‌کنند، ولیکن اندیشمندان زمان را تباه نمی‌کنند و دائماً فکر می‌کنند!



۹۴ «اصبروا على صعاب تنزل عليكم صبراً فلعل الله يملأ قلوبكم سكينه و يعينكم في مواصلة الحياة»:

- ۱ در دشواری‌هایی که بر شما نازل می‌شود، حتماً صبر پیشه کنید، چه امید است که خدا دل‌هایتان را از آرامش مملو کرده و در ادامه دادن زندگی شما را یاری کند!
- ۲ بر جداری کنید بر آنچه از سختی‌ها که بر شما قطعاً فرود می‌آید، ای بسا خداوند دل‌های شما را از آرامش پر کند و در ادامه زندگی یاور شما باشد!
- ۳ حتماً بر سختی‌هایی که بر شما فرود می‌آید، صبر نمایید که شاید خداوند دل‌هایتان را از شدای پر کند و در ادامه زندگی‌تان به شما یاری برساند!
- ۴ بر دشواری‌ها که بر شما نازل می‌گردد، حتماً باید صبر کنید زیرا امید است که خلوند با پر کردن دل‌هایتان از آرامش، شما را در ادامه دادن زندگی کمک کند!

۹۵ «هذا الحيوان له في لسانه غده تفرز سائلاً مطهراً و هو يستعين به لتلتئم جروحه أسهل!»:

- ۱ این حیوان برای اوست در زبانش غده‌هایی که مایع پاک‌کننده‌ای ترشح می‌کند و به او در التیام آسان‌تر زخم‌هایش یاری می‌رسانند!
- ۲ در زبان این حیوان غده‌هایی هست که با ترشح مایع پاک‌کننده‌ای التیام زخم‌هایش را ساده‌تر می‌کند!
- ۳ این حیوانی است که در زبانش غده‌هایی وجود دارد که مایعی پاک‌کننده را ترشح می‌کند و از آن برای التیام هر چه ساده‌تر زخم‌های خود یاری می‌جوید!
- ۴ این حیوان در زبانش غده‌هایی دارد که مایع پاک‌کننده‌ای ترشح می‌نماید و او از آن یاری می‌جوید تا زخم‌هایش آسان‌تر بهبود یابند!

۹۶ «إذا يلتزم الإنسان بالصدق يتخلص من كل السيئات التي تضره!»: عمومی انسانی غارج از کشور ۹۹

- ۱ اگر انسان پایبند راستی و درستی باشد همه بدی‌هایی را که ضرر رسان به اوست، رها می‌کند!
- ۲ هر گاه انسان به همه صداقت‌ها ملتزم شود از بدی‌هایی که به او ضرر می‌زند خلاص می‌شود!
- ۳ هر گاه انسان پایبند راستگویی باشد از همه بدی‌هایی که به او ضرر می‌رساند رها می‌شود!
- ۴ اگر انسان به صداقت‌ها ملتزم باشد بدی‌هایی را که ضرر رساننده به او هستند رها می‌کند!

۹۷ «لا تتعود على الكذب فإن الكذاب لا يقدر على أن يخفي كذبه أو ينكره و يتبين كذبه تبيناً للجميع»:

- ۱ به دروغ گفتن عادت مکن که دروغگو نمی‌تواند که دروغش را مخفی یا انکار کند و دروغ او بی‌گمان برای همه آشکار می‌شود!
- ۲ به اینکه دروغ بگویی عادت نکن چرا که کذاب قادر به این نیست که دروغش را مخفی کند و آن را انکار نماید و برای همه قطعاً دروغش هویدا می‌شود!
- ۳ به دروغگویی خودت را عادت نده که کذاب قادر نیست که دروغگویی‌اش را مخفی یا انکار کند و او میان همه حتماً رسوا می‌شود!
- ۴ به دروغ عادت نکن زیرا دروغگو نتوانسته دروغ خود را مخفی یا انکار نماید و قطعاً در مقابل همه رسوا می‌گردد!

۹۸ «يُمْكِنُ أَنْ تَنْسِيَ مَنْ شَارَكَكَ فِي الضَّحْكِ لَكِنَّكَ لَنْ تَنْسِيَ مَنْ شَارَكَكَ فِي الْبُكَاءِ أَبَدًا!» (عمومی تراز از کشور «۳»)

۱) شاید هرکس که در خندیدن با تو همراه بود، فراموش شود اما کسی که در گریستن با تو همراه بود فراموش نخواهد شد!

۲) می‌توانی آن کس را که در خنده همراهی‌ات کرد فراموش کنی، اما هرگز آن کس را که در گریه همراهی‌ات کند فراموش نمی‌کنی!

۳) می‌شود آن کسی را که در خنده با تو همراهی کرده است فراموش کنی، اما کسی را که در گریه با تو همراهی می‌کند ابداً فراموش نمی‌کنی!

۴) امکان دارد کسی را که در خندیدن با تو همراهی کرد فراموش کنی، اما کسی را که در گریه کردن با تو همراهی کرد هرگز فراموش نخواهی کرد!

۹۹ «لِيَنْظُرَ الْإِنْسَانُ إِلَى الْمَسْتَقْبَلِ دَائِمًا لِكَيْلَا يَحْزَنَ عَلَيَّ مَا فَاتَهُ فِي الْمَاضِي!»

۱) انسان باید دائماً به آینده نگاه کند تا بر آنچه در گذشته از دست او رفته، اندوهگین نشود!

۲) باید انسان به آینده همیشه بنگرد تا آنچه در گذشته از دستش رفته، او را ناراحت نکند!

۳) انسان همیشه باید نگاهش به آینده باشد و بر آنچه در گذشته از دست داده، غمگین نباشد!

۴) نگاه انسان دائماً باید به آینده باشد تا آنچه در گذشته از دستش رفته، او را محزون نکند!

۱۰۰ «مَشَاهِدُ الْحَجِّ تَخْلِبُ الْقُلُوبَ، مَا مِنْ مُسْلِمٍ فِي الْعَالَمِ إِلَّا وَهُوَ يَشْتَقُّ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ بَعْدَ مَشَاهِدَتِهَا!»

۱) صحنه‌های حج دل‌ها را می‌رباید، هیچ مسلمانی در جهان نبوده جز اینکه بعد از دیدنش به خانه خدا مشتاق شده است!

۲) صحنه‌های حج قلوب را می‌رباید، در جهان هیچ مسلمانی نیست مگر اینکه او پس از دیدنش به خانه خدا مشتاق می‌شود!

۳) صحنه‌هایی از حج دل‌ها را می‌رباید، هیچ مسلمانی را در جهان نمی‌یابی مگر اینکه او با اشتیاق به خانه خدا آن‌ها را مشاهده می‌کند!

۴) صحنه‌های حج قلوب را می‌رباید، مسلمانی در جهان نیست جز اینکه با دیدن آن‌ها به خانه خدا اشتیاق پیدا می‌کند!

۱۰۱ عَيْنُ الْخَطَا:

۱) کنت فرحت من أن الحسنات تذهبن السيئات! از اینکه خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برد، شاد شده بودم!

۲) کلدت بنتي تجهر بغضبها عند الضيوف لقا نصحتها! وقتی دخترم را نزد مهمانان نصیحت کردم نزدیک بود خشمش را آشکار کند!

۳) کن ساکتاً و راقب أن لا يجري على لسلك ما ليس لك به علم! ساکت باش و مراقب باش که بر زبانت چیزی که بدان علم نداری، جاری نشود!

۴) لقا بدأت بأن تعيب الآخرين أعلم أن ذلك نفسه من أكبر العيوب! وقتی شروع به عیب‌گیری از دیگران کردی، بدان که آن خودش از بزرگ‌ترین عیب‌هاست!

۱۰۲ عَيْنُ الْخَطَا:

۱) كان في مزرعة عدد أفراخ الطيور ينقص تدريجياً، المزرعة كادت قريبة من فریتنا!

در مزرعه‌ای تعداد جوجه‌های پرندگان به تدریج کم می‌شد، آن مزرعه نزدیک روستای ما بود!

۲) عيونهم غصت عن محرم الله فلها لا تكون باكية في يوم البعث!

چشمان آن‌ها از حرام‌های خداوند بر هم نهاده شدند، بنابراین در روز رستاخیز گریان نمی‌باشند!

۳) هنا الكتاب جاء بنقاط عجيبة في كتابه عن النبي (ص) لم يذكرها الكتاب الآخرون!

این نویسنده در کتابش درباره پیامبر (ص) نکته‌های شگفتی آورده بود حال آنکه دیگر نویسندگان آن‌ها را ذکر نکردند!

۴) الأهداف العالية كأنها جبل مرتفع لا يقدر على صعوده إلا الأقوياء!

اهداف والا بهسان کوهی مرتفع‌اند که فقط نیرومندان یارای صعود از آن را دارند!



۱۰۳. «هر غذایی که نام خداوند بر آن برده نشود، هیچ برکتی در آن نیست!»:

- ۱) الطعام الَّذِي لَا يَذْكُرُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَا بَرَكَةَ لَهُ!
- ۲) كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذْكُرُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَا بَرَكَةَ فِيهِ!
- ۳) كُلُّ الطَّعَامِ لَمْ يَذْكُرْ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَيْسَتْ بَرَكَةٌ فِيهِ!
- ۴) كُلُّ طَعَامٍ إِذَا لَمْ يَذْكُرْ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَيْسَتْ بَرَكَةٌ لَهُ!

۱۰۴. عَيْنٌ غَيْرُ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- ۱) تجري الرياح بما لا تشتهي السفن!
- ۲) اعتمادی نیست بر کلر جهان بلکه بر گردون گردان نیز هم
- ۳) تماشروا کالأخوان و تعاملوا کالأجانب! حساب حساب است، کاکا برادر!
- ۴) إنَّ النّسْلَ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا!
- ۵) به هر چیزی که خلق آن را ندانند ز نادانی بدان از دشمنانند
- ۶) عسى أن تکرهوا شيئاً و هو خير لكم ﴿﴾
- ۷) چه خوش گنت یک روز داروفروش شفا بایدت داروی تلخ نوش

۱۰۵. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَأَنفُسِهِمْ﴾ عَيْنٌ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- ۱) سر چشمه شاید گرفتن به بیل
- ۲) چوپر شد شاید گذاشتن به پیل
- ۳) در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم
- ۴) لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی
- ۵) باد ما و بود ما از داد توست
- ۶) هستی ما جمله از ایجاد توست
- ۷) گله از روزگار بیهده چیست
- ۸) هر چه بر ملست از کرده ملست

زمان پیشنهادی:
۶ دقیقه

آزمون جامع ۸ (کنکور+ تالیفی)

عَيْنُ الْأَنْسَبِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۱۲۰-۱۰۶):

۱۰۶. ﴿هُوَ أَوْشَاكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾:

- ۱) او شما را از زمین پدید آورد و خواستار آباد کردن آن از شما شد!
- ۲) اوست که شما را از زمین آفرید و از شما خواست آن را آباد نماید!
- ۳) او از زمین شما را به وجود آورد و در آن به شما عمر داد!
- ۴) او شما را در زمین پدید آورد و در آن به شما عمر داد!

۱۰۷. «قَدْ تُجْبِرُنَا الْحَيَاةَ عَلَى تَحْمَلِ مَا لَا نُحِبُّهُ فَلَا طَرِيقَ لَنَا إِلَّا أَنْ نَقْبَلَ الظُّرُوفَ وَإِنْ كَانَتْ صَعِبَةً!»:

- ۱) گاهی در زندگی مجبور می‌شویم که چیزی را که دوست نداریم تحمل نماییم، هیچ راهی برای ما نیست جز اینکه به شرایط روی آوریم اگر چه دشوارند!
- ۲) زندگی گاهی ما را وادار به تحمل چیزی می‌کند که آن را دوست نداریم، هیچ راهی نداریم مگر اینکه شرایط را بپذیریم هر چند سخت باشند!
- ۳) گاهی زندگی ما را مجبور به تحمل کردن چیزی می‌کند که دوست نمی‌داریم، تنها راهی که داریم پذیرش شرایط است، اگر سخت هستند!
- ۴) زندگی گاهی ما را وادار به تحمل چیزی کرده که آن را دوست نمی‌داریم، هیچ راهی نداریم مگر اینکه به شرایط روی آورده اگر دشوارند!



انسان‌های پست کارشان دوز و کلک است که با عبرت عربی زمین تا آسمان فرق می‌کند.

گزینه ۱ ترجمه عبارت سؤال: «عالم بدون عمل همانند درخت بدون میوه است»

بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) به عبرت عربی بسیار نزدیک است گفته که عمل را در لب (۲ / عمل، سخت را تضمین نمی‌کند «برعکسش را می‌گفت، درست بود» / ۳) پادشاه از آن کسانی است که کاری را نیکو انجام دادند (۴) از بی ثمری و بی‌فایده بودن حرف زده است.

گزینه ۲ «این» کل جمله را تأکید می‌کند

و جایش در ترجمه همان ابتدای عبارت است (رد گزینه‌های «۳» و «۴») - ۲ «فی خسر» در گزینه «۱» دقیق ترجمه نشده - ۳ «اموا، عملوا» فعل ماضی‌اند (رد سایر گزینه‌ها: زمان فعل‌ها) - ۴ «الصالحات» جمع است نه مفرد (رد گزینه «۴»: مفرد و جمع بودن اسم‌ها)

گزینه ۱ ترجمه کلمات مهم آن یکسر:

که بشکنند، استطاعة قطعاً (مفعول مطلق تأکیدی)، لثواب: باید مواظب باشیم

بررسی سایر گزینه‌ها

(۲) به خوبی قطعاً «استطاعة» مفعول مطلق تأکیدی است، شکستن (بشکنند، یکسر» فعل است، سخنان سخن: «کلام» مفرد است: مفرد و جمع بودن اسم‌ها) / ۳ «دیگران» اضافی است (حذف و اضافه)، کاملاً (مانند گزینه «۲») سخن گفتنمان (سخنمان) / ۴ «هیچ» اضافی است (حذف و اضافه)، واقعاً (مانند گزینه «۲»)، «به خوبی» اضافی است (حذف و اضافه)، سخن گفتنمان (مانند گزینه «۳»)

گزینه ۲ «کثیر» اسم تفضیل نیست

(رد گزینه «۱») - ۲ «هستند» در گزینه‌های «۳» و «۴» وصله زائد است (حذف و اضافه) - ۳ «او» در گزینه «۳» ترجمه نشده (جزئیات در ترجمه) - ۴ اوقاتهم اوقات خود (رد گزینه «۴»: مفرد و جمع بودن اسم‌ها، ضمیرها) - ۵ «لا یضمعون» مضارع است (رد گزینه‌های

همچون راستگویان — صادقانه (قواعد)

گزینه ۱ - ۱ «تصاد» (به شکل «یقال»: در درسنامه داشتیم) مجهول است — شکر می‌شوند (معلوم و مجهول بودن فعل‌ها)

بررسی سایر گزینه‌ها

(۲) «قد + مضارع» را در بید ← گاهی + مضارع، «اقول» هم جمله وصفیه است برای «کلاماً» / ۳ «لولا» معنای «اگر ... نبود» می‌دهد، فعل‌های ماضی هم که بعد از «لو» بیایند، به صورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه می‌شوند (۴) از سلیق عبرت پیداست که «ینسکت» فعل امر است.

گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) یمكنهم (یمكن لهم)، النجاح (أن ینجوا): «که موفق شوند» فعل است، البرامج (برامجهیم: ضمیرها) / ۲ لیفهموا (لیعلموا)، یستطیعون أنهم (یمكن لهم)، التتّم (مانند «۲») / ۴ آن یفهموا (لیعلموا)، یستطیعون (یمكن)، آن یتتّموا (مانند «۲»)، البرامج (مانند «۱»)

گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) ذلك (تلك)، ما أضعف (ما أضعفت): فعل به «تلك الحادثة» برمی‌گردد، صیغه فعل‌ها، ولكن (بل) / ۲ حادثة (الحادثة): «حادثه» معرفه است، لم تضعف (لم تضعف)، عزماً قیه (عزمه)، أوصل (واصل): «أوصل رساند»: معانی باب‌ها / ۴ هذه (تلك)، ولكن (مانند «۱»)، وصل (مانند «۲»)، ضمناً «وَصَلَ: رسید»، اللؤب (دؤباً: حل نکره است)

گزینه ۴ بررسی گزینه‌ها

(۱) دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است. (شعر فارسی هم مفهومی مشابه را بیان کرده است) / ۲ آیا مردم را به نیکی دستور می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟! (مثل فارسی هم گفته که اول خودتان را دریابید بعد دیگران را) / ۳ بهترین کارها، میانه‌ترین آن‌هاست. (هم‌مفهوم با مثل عربی) / ۴ هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند (شعر فارسی گفته که انسان‌های خوب کارهای خوب می‌کنند و

«۱» و «۲»

است و نباید به صورت اسم ترجمه شود مگر در موارد خاص (رد گزینه‌های «۱» و «۴»)

۹۷ گزینه ۱ «۱» - «الکذب» اسم است و دلیلی ندارد به صورت فعل ترجمه شود. (رد گزینه «۲»)

«۲» - «أوه» در گزینه «۲» اشتباه ترجمه شده و «و» در گزینه «۲» اضافی است (جزئیات در ترجمه) «۳» - «میان همه، در مقابل همه» در گزینه‌های «۳» و «۴» معادل «لجميع» نیست «۴» - «کذب» در آخر عبارت در گزینه‌های «۳» و «۴» ترجمه نشده (حذف و اضافه)

۹۸ گزینه ۲ «۱» - «یمكن» در گزینه‌های «۱» و «۲» دقیق ترجمه نشده «۲» - «من» موصول داریم نه شرطیه (رد گزینه «۱») «۳» - «أبدأ» در گزینه «۱» ترجمه نشده (حذف و اضافه) «۴» - «لن + مضارع مستقل منفی» - «لن تُنسى» فراموش نخواهی کرد (رد گزینه‌های «۲» و «۳»: زمان و ساختار فعل‌ها)

۹۹ گزینه ۱ «۱» - دقت کنید که آخر «ینظر» در عبارت سؤال، کسر گرفته؛ این یعنی فعل امر داریم و آخرش می‌باید ساکن می‌گرفت، چون به «ال» رسیده، کسر گرفته تا راحت‌تر خوانده شود! «۲» - «ینظر» فعل است نه اسم (رد گزینه‌های «۳» و «۴») «۳» - «فأت» در گزینه «۲» دقیق ترجمه نشده «۴» - «یحزن» اینجا لازم است نه متعدی (رد گزینه‌های «۲» و «۴»: لازم و متعدی بودن فعل‌ها)

۱۰۰ گزینه ۲ «۱» - «از» در گزینه «۳» اضافی است (حذف و اضافه) «۲» - «ما من» معنای «هیچ ... نیست» می‌دهد (رد سایر گزینه‌ها) «۳» - «یشلق» فعل مضارع است (رد گزینه «۱»): زمان فعل‌ها «۴» - «یشلق» فعل و «مشاهده» اسم است (رد گزینه «۳»)

۱۰۱ گزینه ۲ «۱» - «از» در گزینه «۳» اضافی است (حذف و اضافه) «۲» - «ما من» معنای «هیچ ... نیست» می‌دهد (رد سایر گزینه‌ها) «۳» - «یشلق» فعل مضارع است (رد گزینه «۱»): زمان فعل‌ها «۴» - «یشلق» فعل و «مشاهده» اسم است (رد گزینه «۳»)

۱۰۲ گزینه ۳ «۱» - «از» در گزینه «۳» اضافی است (حذف و اضافه) «۲» - «ما من» معنای «هیچ ... نیست» می‌دهد (رد سایر گزینه‌ها) «۳» - «یشلق» فعل مضارع است (رد گزینه «۱»): زمان فعل‌ها «۴» - «یشلق» فعل و «مشاهده» اسم است (رد گزینه «۳»)

۱۰۳ گزینه ۳ «۱» - «از» در گزینه «۳» اضافی است (حذف و اضافه) «۲» - «ما من» معنای «هیچ ... نیست» می‌دهد (رد سایر گزینه‌ها) «۳» - «یشلق» فعل مضارع است (رد گزینه «۱»): زمان فعل‌ها «۴» - «یشلق» فعل و «مشاهده» اسم است (رد گزینه «۳»)

۹۴ گزینه ۱ «۱» - «آنچه از» در گزینه «۲» اضافی است (حذف و اضافه) «۲» - «اصبروا» فعل امر مخاطب است و ما در ترجمه فعل امر مخاطب از «باید» استفاده نمی‌کنیم (رد گزینه «۴») «۳» - «صبراً» مفعول مطلق تأکیدی است و جای دقیقش در ترجمه چسبیده به فعل عبارت است (رد گزینه‌های «۲» و «۳»): در گزینه «۲» قبل از «فروید می‌آید» آمده که اشتباه است)

۹۵ گزینه ۲ «۱» - «لَهُ» (لِ + ه) اینجا معنای مالکیت می‌دهد و به صورت «دارد» ترجمه می‌شود (رد گزینه‌های «۲» و «۳») «۲» - «لسانه» ضمیر چسبیده و در گزینه «۲» «هنا الحيوان» در جای نادرستی از ترجمه آمده است (ضمیرها، جای درست کلمات در ترجمه) «۳» - «مَطَهَّرًا» در گزینه «۱» درست ترجمه نشده (ترجمه دقیق واژگان) «۴» - «لنتلثم» فعل است نه اسم (رد سایر گزینه‌ها) «۵» - «أسهل» صفت نیست (رد گزینه‌های «۱» و «۳»: نقش‌های دستور زبانی) «۶» - «تَفَرَّرَ» فعل است نه اسم (رد گزینه «۲») «۷» - «يستعين» در گزینه «۱» درست ترجمه نشده (ترجمه دقیق واژگان) و در گزینه «۲» ترجمه نشده (حذف و اضافه)

۹۶ گزینه ۳ «۱» - «الصلق» مفرد است (رد گزینه‌های «۲» و «۴»: مفرد و جمع بودن اسم‌ها) «۲» - «يتخلَّصُ» رها می‌شود، يُخَلِّصُ رها می‌کند (رد گزینه‌های «۱» و «۴»: تأثیر باب‌ها بر معانی فعل‌ها) «۳» - «من» در گزینه‌های «۱» و «۴» ترجمه نشده (حذف و اضافه)، «کل» در گزینه‌های «۲» و «۴» ترجمه نشده (باز هم حذف و اضافه) «۴» - «تَشَرُّ» فعل

۹۷ گزینه ۲ «۱» - «لَهُ» (لِ + ه) اینجا معنای مالکیت می‌دهد و به صورت «دارد» ترجمه می‌شود (رد گزینه‌های «۲» و «۳») «۲» - «لسانه» ضمیر چسبیده و در گزینه «۲» «هنا الحيوان» در جای نادرستی از ترجمه آمده است (ضمیرها، جای درست کلمات در ترجمه) «۳» - «مَطَهَّرًا» در گزینه «۱» درست ترجمه نشده (ترجمه دقیق واژگان) «۴» - «لنتلثم» فعل است نه اسم (رد سایر گزینه‌ها) «۵» - «أسهل» صفت نیست (رد گزینه‌های «۱» و «۳»: نقش‌های دستور زبانی) «۶» - «تَفَرَّرَ» فعل است نه اسم (رد گزینه «۲») «۷» - «يستعين» در گزینه «۱» درست ترجمه نشده (ترجمه دقیق واژگان) و در گزینه «۲» ترجمه نشده (حذف و اضافه)

۹۸ گزینه ۲ «۱» - «لَهُ» (لِ + ه) اینجا معنای مالکیت می‌دهد و به صورت «دارد» ترجمه می‌شود (رد گزینه‌های «۲» و «۳») «۲» - «لسانه» ضمیر چسبیده و در گزینه «۲» «هنا الحيوان» در جای نادرستی از ترجمه آمده است (ضمیرها، جای درست کلمات در ترجمه) «۳» - «مَطَهَّرًا» در گزینه «۱» درست ترجمه نشده (ترجمه دقیق واژگان) «۴» - «لنتلثم» فعل است نه اسم (رد سایر گزینه‌ها) «۵» - «أسهل» صفت نیست (رد گزینه‌های «۱» و «۳»: نقش‌های دستور زبانی) «۶» - «تَفَرَّرَ» فعل است نه اسم (رد گزینه «۲») «۷» - «يستعين» در گزینه «۱» درست ترجمه نشده (ترجمه دقیق واژگان) و در گزینه «۲» ترجمه نشده (حذف و اضافه)

۱۰۶. **گزینۀ ۱** ﴿ ۱- «است که» در گزینۀ «۲» اضافی است (حذف و اضافه) ۲- «من» در گزینۀ «۴» اشتباه ترجمه شده (جزئیات در ترجمه) ۳- قسمت آخر آیه شریفه فقط در گزینۀ «۱» درست و دقیق ترجمه شده!

۱۰۷. **گزینۀ ۲** ﴿ ۱- «تَجِيز» فعل متعدی، «نا» مفعولش و «الحياة» فاعلش است (رد گزینۀ «۱»: «نقش‌های دستور زبانی) ۲- «قد + مضارع: گاهی / شاید + مضارع» (رد گزینۀ «۴») ۳- «تحمل» اسم است نه فعل (رد گزینۀ «۱») ۴- در قسمت دوم عبارت «لای» نفی جنس داریم که مصلاف شده با اسلوب حصر. ۵- «قبل، یقبل: پذیرفتن»، «أقبل، یقبل: روی آوردن» (رد گزینۀ «۱» و «۴»: معانی باب‌ها) ۶- «و این» معنای «اگرچه، هرچند» می‌دهد (رد گزینۀ «۳» و «۴»: اصطلاحات)

۱۰۸. **گزینۀ ۳** ﴿ ۱- «لا تَكُنْ» در گزینۀ «۱» با «لا تُصِخ» اشتباه گرفته شده و در گزینۀ «۲» درست ترجمه نشده. ۲- «یُعَدُّ» از صیغۀ للغاب است (رد گزینۀ «۱» و «۲»: صیغۀ فعل‌ها) و در گزینۀ «۴» درست ترجمه نشده (ترجمۀ درست واژگان) ۳- «و» در گزینۀ «۴» اضافی است (جزئیات در ترجمه) ۴- «یُبْعَد» از صیغۀ للغاب و متعدی است (رد گزینۀ «۱» و «۲»: صیغۀ فعل‌ها، لازم و متعدی بودن فعل‌ها) ۵- «إِعْدَاءُ» مفعول مطلق نوعی و «بالغاً» صفتش است (رد گزینۀ «۴»: نقش‌های دستور زبانی)

۱۰۹. **گزینۀ ۴** ﴿ ۱- ضمیر در «نفسه» ترجمه نشده (رد گزینۀ «۱»: ضمیرها) ۲- «یَجَاهِد» فعل شرط و مضارع است (رد گزینۀ «۳»: زمان فعل‌ها) ۳- «و هو مؤمن» جمله‌حالیه است (رد گزینۀ «۱» و «۲»: نقش‌های دستور زبانی) ۴- دلیلی ندارد جمله‌حالیه‌مان در زمان ماضی ترجمه شود (رد گزینۀ «۳») ۵- «یَدْخُل» لازم است نه متعدی (رد گزینۀ «۲»: لازم و متعدی بودن فعل‌ها) ۶- «العدل الإلهی» ترکیب وصفی است نه اضافی (رد گزینۀ «۲»)

شود نه ماضی بعید، ضمن اینکه «لم یَذکر» جمله وصفیه است نه جمله‌حالیه!

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) کلن + مضارع داریم، «أفراخ» جمع است، «مزرعة»، اول نکره آمده و بعد معرفه / ۲) «عیون» جمع است، «لا تَكون» هم مضارع منفی است / ۴) اسلوب حصر داریم.

۱۰۳. **گزینۀ ۲** ﴿ بررسی سایر گزینه‌ها

۱) الطعام الَّذی (کل طعام)، لا یَذکر (لا یَذکر: «برده نشود» مجهول است: معلوم و مجهول بودن فعل‌ها)، له (فیه) / ۳) الطعام طعام: «غذایی» نکره است: معرفه و نکره بودن اسم‌ها)، لم یَذکر (لا یَذکر: مضارع می‌خواهیم: زمان فعل‌ها)، لیست (لا: لای نفی جنس می‌خواهیم: حروف سرنوشت‌ساز) / ۴) «نا» اضافی است (حذف و اضافه)، لیست (مانند «۳»)، له (مانند «۱»)

۱۰۴. **گزینۀ ۱** ﴿ بررسی گزینه‌ها

۱) بلاها می‌وزند به‌سمتی که کشتی‌ها نمی‌خواهند. (عبارت عربی گفته که با قضا و قدر نمی‌توان جنگید اما شعر فارسی بیان کرده که به دنیا اعتمادی نیست!) / ۲) همچون برادران زندگی کنید و همچون بیگانگان معامله کنید. (هم‌مفهوم با عبارت عربی) / ۳) مردم دشمنان چیزی‌اند که ندانسته‌اند (شعر فارسی هم گفته که دشمنی می‌تواند از سر نلدانی باشد) / ۴) شاید چیزی را ناپسند بنارید درحالی‌که برایتان خوب است (شعر فارسی هم گفته که گاهی چیزی که دوست نداریم به نفعمان است.)

۱۰۵. **گزینۀ ۲** ﴿ ترجمۀ عبارت سؤال: «قطعاً

خداوند آنچه را که درون قومی هست تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنچه درونشان هست را تغییر بدهند» بررسی گزینه‌ها

۱) گفته که «علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد!» / ۲) تسلیم‌پذیری در برابر خداوند را بیان کرده! / ۳) تمام هستی را از آن خدا دانسته! / ۴) همانند عبارت سؤال گفته که سرنوشت‌مان به دست خودمان است